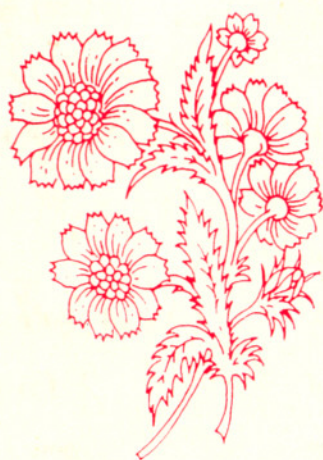


۸

فروردین ۱۳۶۶

سال چهارم

چیستا



نوروزتان پیروز

نوروز خجسته باد

چهارشنبه سوری و نوروز

توت در گیلان

رازهای روان

تئاتر در بازداشتگاههای شبلی

کیارسی، طایفه‌ای در بختیاری

و

مطالب دیگر

چیستا

(سیاسی، اجتماعی، علمی، ادبی، هنری)

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: پرویز ملکپور

صفحه آرا: حسن نیک‌بخت

تلفن: ۶۶۲۳۱۹ - ۶۴۱۶۲۱

نشانی: خیابان انقلاب، روبروی

دانشگاه تهران شماره ۱۳۹۰

(شماره ردیف: ۳۸)

۱۰ شماره در سال منتشر می‌شود.

تک شماره: ۱۸۰ ریال

اشتراک سالیانه:

ایران: ۱۸۰۰ ریال

اروپا، هندوستان، پاکستان، ۴۰۰۰ ریال

آمریکا، کانادا، استرالیا و

خاور دور ۵۰۰۰ ریال

چاپ و صحافی: چاپخانه رامین

سال چهارم، شماره هشتم - فروردین ۱۳۶۶

۵۶۱	—	نوروز خجسته‌باد
۵۶۲	جابر عناصری	چهارشنبه‌سوری و نوروز
۵۶۸	ترجمه محمد باقری	نوروزی‌ها
۵۷۲	امیراسماعیل آذر	سیری در نوروز
۵۷۷	ترجمه احمد آذرانداز	منگ گور شهید (شعر)
۵۷۸	محمود پاینده	توت در گیلان
۵۸۰	کتایون مزداپور	تحلیلی بر اسطوره باران‌کرداری (۱)
۵۸۷	مهران کندری	خدای باران
۵۹۲	خدابنده فرزانه‌گی	آتش
۵۹۹	جمشید صداقت‌کیش	روزنامه وقایع یزدالی شیراز (۲)
۶۰۵	ترجمه بهمن سررودی	رازهای روان (۵)
۶۱۲	علی کوشا	احمد برقی پسر محمد
۶۱۸	ترجمه خدابنده فرزانه‌گی	آواز صبحگاهی (داستان)
۶۲۰	رکن‌الدین خسروی	تئاتر در بازداشتگاه‌های شیلی (۳)
۶۲۹	بیژن شاهرادی	کیارسی، طایفه‌ای در بختیاری
۶۳۷	پرویز شهربازی	روزنه

حق اشتراک و کمک‌های نقدی خود را به حساب جاری شماره ۱۸۲۱۲۹۰۰ بانک تجارت شعبه خیابان ولی عصر، جنب بزرگمهر به‌نام پرویز ملک‌پور واریز و رسید آنرا به‌نشانی دفتر ماهنامه ارسال دارید.

نوروزی‌ها

اشاده: آلساندر خوجکوا (۱۸۰۴ - ۱۸۹۱) در خانواده‌ای که اصلاً از لیتوانی بودند، در لهستان به دنیا آمد. وی ایران‌شناس و شاعر بود و در سالهای دهه ۱۸۳۰ م. با عهده سلطنت محمدشاه قاجار به ایران آمد و کسول دولت روسیه تزاری در رشت بود. با توجه به آشنایی قبلیش با زبان و ادب فارسی، طی مدت اقامت در گیلان به تحقیق در ادبیات و تاریخ و جغرافیای گیلان پرداخت. سپس به فرانسه رفت و بقیه عمر خود را در آنجا با فعالیت‌های علمی و فرهنگی سپری کرد. روحیه شاعرانه او گاه در لابلای آثارش خود را نشان می‌دهد. آثار فراوانی از وی به جا مانده است که برخی از مهمترین آنها عبارتند از: ترانه‌های عامیانه ایرانی^۲ (۱۸۴۲)؛ تئاتر در ایران (۱۸۴۵)؛ دستور زبان فارسی (۱۸۵۲). کتابی به نام «سرزمین گیلان» نیز از وی به فارسی ترجمه شده است. مقاله حاضر از نخستین کتاب فوق گرفته شده است. این کتاب ششصد صفحه‌ای، شامل روایت مفصلی از داستان کوراغلو و نمونه‌هایی از ترانه‌های محلی اقوام تاتار، کالموک، ترکمن، ترکهای ایران و همچنین ترانه‌های فارسی، گیلکی، تالیشی و مازندرانی است. خوجکوا طی یازده سال در نوبتهای متوالی این ترانه‌ها را شخصاً جمع‌آوری و به انگلیسی ترجمه کرده است. در بسیاری موارد توضیحات زبان‌شناسی و تاریخی آورده است و تعدادی از ترانه‌ها را نیز با حروف فارسی در انتهای کتاب به چاپ رسانده است. از خصوصیات جالب این کتاب وجود ده صفحه نت مربوط به آهنگ ترانه‌های محلی است. بخش مربوط به ترانه‌های ترکمنی قبلا در کتابی به نام «نخبه سیفیه» از انتشارات «نشر تاریخ ایران» (۱۳۶۰) چاپ و منتشر شده است.

نوروزی‌ها

«نوروزی» در گیلان امروز به پسر بچه‌هایی گفته می‌شود که دسته جمعی حرکت می‌کنند و اشعاری به میمنت نوروز می‌خوانند. این پسر بچه‌های پر جنب و جوش هشت تا دوازده ساله در روستاها و شهرها به راه می‌افتند، جلوی در خانه‌ها به خواندن شعرهای زیر می‌پردازند و به عنوان پاداش هدایای ناچیزی از قبیل میوه، تخم مرغ، پول خورد و غیره دریافت می‌کنند.

۱. A. Chodzko این نام گاهی به صورت «خودزکو» یا «شودزکو» نوشته شده است.

۲. Popular Poetry of Parsia

جالب اینکه بین این ترانه‌های شاد، شعر غم‌انگیزی هم دربارهٔ مرگ يك غریبه وجود دارد که طنین اندوهناک و کشتار آن بی‌اختیار اشک را از دیدگان شنونده سرازیر می‌کند. بخصوص به لحاظ شاد بودن بقیهٔ بندها تأثیر این قسمت بیشتر می‌شود و با شنیدن آن انسان به یاد تابوهای می‌افتد که مصریان قدیم در شادمانه‌ترین ضیافت‌هایشان به دور میزها می‌چرخاندند. آواز مانروس^۱ آنها قاعدتاً باید چیزی شبیه شعر فوق‌الذکر باشد.

سلام بکودم ترا ^۴	سلام سلام می‌آقا ^۳
اما بیایم ^۶ به سرا	رخصت ایسا امارا ^۵
نوروز ترا مبارک بی نوروز ترا مبارک	
میرزا سلامت می‌کنم	اقا سلامت می‌کنم
دعا بجانتم می‌کنم	خود را غلامت می‌کنم
نوروز ترا مبارک و غیره	
مارامگردان کوبه کو	ای خانهای ^۷ روبه‌رو
بخش مرا جدا بکو	چلوا نباشد دنده کوه ^۸
ترا مبارک و غیره	نوروز
دیدم دختر کردی	رفتم به سرپردی ^۹
ترا نوروز مبارک بی	ای دلم بردی
نه شکفته گل سوری	نوروز حالا حوری
ترا نوروز مبارک بی	این سوری پیغمبری
عالم همه فیروز شد	نوروز شد نوروز شد
بابا بده نوروزیرا	دیگر نمانده روز شد
نوروز ترا مبارک و غیره	
ترنج دلکی تی تی	نارنج دلکی ^{۱۰} تی تی ^{۱۱}
کیوانی ^{۱۳} مرک بدیمه	نخوردده رنگ ندیمه ^{۱۲}
نوروز ترا مبارک و غیره	
به تاویسته تی دانگه ^{۱۵}	اوما نگه بدین ^{۱۴} مانگه
ترا نوروز مبارک بی	تو خفته من آگه
ارواح گور تی‌مار	عروس سردسمال
ترا نوروز مبارک بی	هرگز نشوی بیمار

۱. Meneros.

۲. کوچک‌و در کتاب خود تنها ترجمهٔ انگلیسی این شعر را آورده است که برگردان فارسی آن را در همین مقاله می‌خوانید.
۳. آقای من
۴. کردم
۵. است ما را
۶. بیایم
۷. صاحبخانه
۸. نام نوعی حلوا.
۹. پل
۱۰. درخت
۱۱. شکوفه
۱۲. ندیده‌ام
۱۳. کدبانو
۱۴. آن‌ماه را
۱۵. بر خرمنکوب تابیده است

عروس سر سوزن ۱	مرغانه به فل ۱ مزن
باور ۲ خو ۳ بغل بز	تو پیر من تی فرز
ترا نوروز مبارک و غیره	
نوروز حالای ۴ من	در واکو برای من
چل بند قبای من	گم شده کلاهی من
نوروز ترا مبارک و غیره	
نوروز حالا دم دم	سیا اسپه کجا بندم
بر سر جو و گندم	والله که نمی بندم
نوروز ترا مبارک بی و غیره	
حامیدم ۵ حامیدم	چه بارک ۶ تی میان
بنده خال تی لبان	بنده تی زلف قربان
می بی بی مجد ۷ کسه ۸	ورشنه ۹ آتسه
خار کنه ۱۰ کشمشه	زودترفدان ۱۱ می بخشه
می رفیقان و شنه ۱۲	ترا نوروز مبارک بی
این خانه کینی خانه ۱۳	این میرزا ملک خانه
خودوره دچی مرغانه ۱۴	مرغانه یکی کمه
نوروز ترا مبارک و غیره	
یدانه دهی گیرمه ۱۵	دودانه دهی گیرمه
ندهی آیه میرمه ۱۶	کفن از تو گیرمه
نوروز ترا مبارک بی	
تی داز دم خاشه ۱۷	تی پسر قزلباشه
اما را همه باشه ۱۸	ترا نوروز مبارک بی
خانخا گل به سر	خانه ساته کله سر ۱۹
دولت من تاج سر	الله بلده یک پسر
نوروز ترا مبارک بی و غیره	
ایا دختر نیچی ۲۰	فلله ۲۱ تی سره دچی ۲۲
تی غمزه مراوچی ۲۳	ترا نوروز مبارک بی
اره شومه گرزنه ۲۴	اقا گوینه ۲۵ بهز نه
ترا نوروز مبارک بی	

۱. پوست شلتوک ۲. بیاور ۳. خود ۴. تاز ۵. همان «همدم» فارسی ۶. پاریک
۷. می جوید ۸. کنار ۹. دستکاری می کند ۱۰. پاک می کند ۱۱. بنده ۱۲. کسر سنه
۱۳. خانه کیست ۱۴. تخم مرغها را کنار خود چیده است ۱۵. یکی دانه بدهی می گیرم
۱۶. اینجا می میرم ۱۷. دسته داس تو از عاج است ۱۸. سر کرده همه ماست ۱۹. خانه
- روی تپه ساخته ۲۰. نی زن ۲۱. مهره های بهرشته کشیده ۲۲. روی سرت چیده ای
۲۳. از خود بیخود کرد ۲۴. از این طرف می روم گز نه دارد ۲۵. می گوید

مرگ جوان غریبه

«یاالله، یارب الله!»

«به مسجد رفتم و در گوشه ای جوانی را دیدم. بیمار افتاده بود. پرسیدم، اهل کجایی؟ گفت: اهل ولایت بلغارم. گفتم: جوان، آیا اینجا کس و کاری نداری؟ گفت: نه پدر دارم و نه مادر که غم را بخورند. آدم غریبه جایی ندارد که سر بگذارد. هیچکس با یتیم همدردی و خوشرویی نمی کند. طبیعتاً برای درمان به بالین بیمار می روند، به من که می رسند، بالای سرم نجوا می کنند: اما او غریبه است.»

«پرسیدم: جوان دلت چه می خواهد؟ گفت: يك سیب و نیمه انار. به بازار رفتم و يك سیب و نیمه انار خریدم. به مسجد باز گشتم و به همان گوشه رفتم. جوان دیگر زنده نبود. او را به کنار رودخانه بردم. غسلش دادم و همچون يك پدر جسدش را در کفنی پیچیدم.»

«آنگاه صدا زد. گور کن، گوری برای این جوان آماده کن!.. خاک را با دست خود کنار زد و گورش را تا ارتفاع سینه گود کرد.»

«بالای گور جوان ایستادم. صدای ناله اش را شنیدم. گفتم: جوان! می بینم که ناله می کنی ... گفت از روزگار جوانیم بهره ای نبردم. ای نسیم سحرگاه روان شو و خیر مرا به مادر پیروم برسان. به اوبگو ای مادر مهربان، نمی دانی چه بر من گذشت. من تازه گلی در چمن بودم و بناگاه شاخ و برگم فرو ریخت. مادر تو شبهای دراز ب سرمی خاستی و شیرم می دادی. بیا و شیری را که از سینه پرمهرت مکیدم بر من حلال کن.»

در برنجزار

برنجزارهای وسیعی که در سراسر کرانه جنوبی دریای خزر وجود دارد عمدتاً حاصل کاروتلاش زنهاست. منظره کارجمعی ۲۰۰۰ نفر که در گرمای تابستان مشغول وجین یا نشاء کردن هستند دلنشین و در عین حال حزن انگیز است. آنها با پشتهای کاملاً خم شده و در حالی که آب تازانویشان می رسد در گرمای شدید، از سحرگاه تا غروب یکسره کار می کنند گاهی يك نفرشان به سراغ کوزه آبی که در پناه سایه درختی گذاشته شده می رود و همکارانش را سیراب می کند. سپس همگی در يك ردیف می ایستند و چند ترانه دسته جمعی سرمی دهند. آنگاه دوباره سرفرودمی آورند و کار خود را پی می گیرند. طنین غم آلود و یکتواخت این آوازه که در پژواک جنگلهای گیلان تکرار می شود و از دور دست به گوش می رسد، بسیار دل انگیز است.

هی لولوی لولو خوان بامویه خان
خانی بامویه به بیچار بارک میان
شمی را خبر کوردم خرم دختران
می آنا جانہ گویم داسا اوسان داسا
ای آوازخوان خان آمد؛ خان کمر باریک به برنجزار آمد؛ خبرتان کردم دخترهای
خوب؛ به پدر می گویم داسش را بردارد.

ترجمه محمد باقری



۱. این عبارت در پایان هر بند تکرار می شود.